



Theosophical-Philosophical Foundation of Iranian Art

Volume 3 / Issue 1 / pages 31-46 / e-ISSN: 2980-7875 / p-ISSN: 2981-2356

Original Research

10.30486/PIA.2024.2001377.1060



Examining the Verses of the Inscriptions of the Altars of the Ilkhanid Period based on the Discourse Analysis theory of Michel Foucault¹

Seyed Mahmoud Hosseini Deh Miri¹, Abolfazl Davodi Roknabadi², Shapour Bahyan³, Seyed Rahman Mortazavi Babaheydari⁴

1-Ph.D. in Art Research, Lecturer, Farhangian University of Isfahan, Shahid Bahonar Campus, Isfahan, Iran

2-Professor, Design & Clothing Department, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding author).

3-Associate Professor and Faculty of Sociology, Mobarake Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

4-Assistant professor, art and architecture faculty, Isfahan (Khorasgan Branch), Islamic Azad University, Isfahan, Iran
Tourism, Architecture and Urban Research Center, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Abstract

During the Ilkhanid period, after Ghazan Khan converted to Islam, the construction of mosques and paying attention to the decoration of mosques became very important, and it was considered alongside other political efforts to legitimize the Mongols. Establishing legitimacy and popularity among the people does not always happen with the sword and military power and can be achieved with ideological mechanisms. Foucault believes that power influences a network of complex relationships, determines the structure of society, and legitimizes it. He believes that where there is power, there is also resistance. During the Ilkhanid period, Iranian identity was contrasted with Mongolian and non-Iranian identities, and the religion of Islam became important as the main source of legitimizing the identity of the Mongols. As mosque construction continued, paying attention to special altars with specific verses was on the agenda of the government, artists, and founders. The purpose of this research is to examine the discourse of power in the Ilkhanate period and to reveal the motives of the Ilkhan rulers to build special altars with specific verses. This research is in search of an answer to the question: How did the motivations of power among the Ilkhan rulers help to create special altars with specific verses? The research method in this research is descriptive-analytical, and with the philosophical approach of discourse analysis, it examines the verses of the inscriptions on the altars of the Ilkhanid period. The results show that in the construction of patriarchal altars, certain verses with political meanings and themes favored by the patriarchs were involved, and the patriarchs pursued specific political goals through the construction of these altars.

Keywords: Altar, Discourse, Ilkhani, Michel Foucault.

Received: 2023-11-26

Accepted: 2024-06-15

davodi@gmail.com

¹ This article is taken from Seyyed Mahmoud Hosseini's doctoral thesis entitled: Analysis of political and cultural factors affecting the transformation of the visual space of the Ilkhani period and its effect on the painting of this period, with an emphasis on the illustrations of the Great Ilkhani Shahnameh with the guidance of Abolfazl Davoudi Roknabadi and Shapour Bahyan and Seyyed Rahman Mortazavi's consultation was arranged at Islamic Azad University, Khorasgan branch of Isfahan.



بنیان‌های حکمی فلسفی هنر ایرانی

سال سوم / شماره اول / بهار ۱۴۰۳ / ص ۴۶-۳۱ / p-ISSN: 2981-2356 / e-ISSN: 2980-7875



10.30486/PIA.2024.2001377.1060

پژوهشی

بررسی آیات کتیه در محراب‌های دوره ایلخانی، براساس نظریه تحلیل گفتمان میشل فوکو^۱

سید محمود حسینی ده‌میری^۱، ابوالفضل داوودی رکن‌آبادی^۲، شاپور بهیان^۳، سیدرحمان مرتضوی باباحیدری^۴

۱-دکتری پژوهش هنر، مدرس دانشگاه فرهنگیان اصفهان، پردیس شهیدباهنر، اصفهان، ایران

۲-استاد، گروه طراحی پارچه و لباس واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

۳-دانشیار، هیات علمی دانشکده جامعه‌شناسی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۴-استادیار، دانشکده هنر و معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

در دوره ایلخانی و پس از مسلمان شدن غازان خان، ساخت‌وساز مساجد و توجه به تزئینات آن، اهمیت بسیاری یافت و در کنار سایر تلاش‌های سیاسی جهت مشروعیت‌بخشی مغولان، مورد توجه قرار گرفت. ایجاد مشروعیت و محبوبیت در بین مردم همیشه به وسیله شمشیر و قدرت نظامی، اتفاق نمی‌افتد و می‌تواند با سازوکارهای ایدئولوژیک، رقم بخورد. فوکو معتقد است که قدرت، در شبکه‌ای از روابط درهم پیچیده، نفوذ دارد و ساختار جامعه را تعیین و آن را مشروع می‌سازد. وی معتقد است که هرچقدر قدرت هست، مقاومت نیز وجود دارد. در دوره ایلخانی هویت ایرانی در تقابل با هویت مغولی و غیرایرانی قرار گرفت و مذهب اسلام به‌عنوان منبع اصلی مشروعیت‌بخشی هویت مغولان، اهمیت یافت و در ادامه ساخت مساجد و توجه به محراب‌های خاص با آیات مشخص، در دستور کار حکومت، هنرمندان و بانیان قرار گرفت. هدف این پژوهش، بررسی گفتمان قدرت در دوره ایلخانی و آشکار نمودن انگیزه‌های حکمرانان ایلخان از ساخت محراب‌های خاص با آیات مشخص است. این پژوهش در جستجوی یافتن پاسخ به این سوال است که: چگونه انگیزه‌های قدرت در بین حکمرانان ایلخان، به ایجاد محراب‌های خاص با آیات مشخص، کمک نموده است؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی براساس تحلیل گفتمان فوکو، به بررسی آیات کتیه در محراب‌های دوره ایلخانی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که در ساخت محراب‌های ایلخانی، آیات خاص با معانی و مضامین سیاسی، مورد علاقه ایلخانان نقش بسته است و ایلخانان از ساخت این محراب‌ها، مقاصد سیاسی خاص و انگیزه‌هایی، همچون مشروعیت‌طلبی حکومت را دنبال می‌کردند.

واژگان کلیدی: ایلخانی، گفتمان، محراب، میشل فوکو.

davodi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

^۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری سیدمحمود حسینی باعنوان: تحلیل عوامل سیاسی و فرهنگی موثر بر دگرگونی فضای تجسمی دوره ایلخانی و تأثیر آن بر نگارگری این دوره، با تأکید برنگاره‌های شاهنامه بزرگ ایلخانی با راهنمایی ابوالفضل داوودی رکن‌آبادی و شاپور بهیان و مشاوره سیدرحمان مرتضوی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان تنظیم گردیده است.

۱- مقدمه و بیان مسئله

دوره ایلخانی، یکی از پر آشوب‌ترین دوره‌های سیاسی ایران محسوب می‌شود. در این دوره با حمله مغولان و تسلط‌یابی ایلخانان بر ایران بسیاری از منابع تصویری، کتاب‌ها، کتابخانه‌ها، کاخ‌ها و مکان‌هایی که در آنها تصاویری از ادوار گذشته بود، به شکل اساسی مورد تخریب قرار گرفت. فرهنگ کوچ‌نشین مغولان و عدم آگاهی و حمایت آنها از ساخت بناهای باشکوه معماری در اوایل دوره ایلخانی، باعث شد تا در این دوره ساختمان‌ها با سرعت و با مصالح از بین رفته، بسیاری از مقاصد آنها را برآورده کند و نتیجه کار، از بین رفتن سریع این تشکیلات در هنگام قشلاق و بی‌یلاق بود. تفکر کوچ‌نشینی، باعث اهمیت‌ندادن مغولان به معماری بود و با توجه به ضرورت حضور آنها در پایتخت، آنها همواره از یورت‌ها استفاده می‌کردند و مکان‌هایی را برای گذران تابستان و زمستان خود، مهیا ساخته بودند.

پس از مسلمان شدن ایلخانان و تمایل مذهبی حکمرانان مغول به اسلام، حمایت و ساخت مکان‌های مذهبی، همچون مسجد و مقابر، افزایش یافت و حکمرانان مغول از گچ‌بری محراب‌های این دوره، به عنوان ابزار برجسته‌ساز هدف حاکمیت، استفاده نمودند و با سازوکارهای ایدئولوژیک و نمادین، به مدح مغولان پرداخته و به آنها محبوبیت و مشروعیت بخشیدند. این محراب‌ها روابط قدرت در متن جامعه را، بازنمایی می‌کند و قرارگیری آیات خاص در آنها، بر اساس نگرش سوئی‌گریلنه از متن الهی برای تأیید و شکل‌دهی گفتمان قدرت در متن جامعه، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. قدرت از دیدگاه فوکو، در تمامی لایه‌های اجتماعی و روابط فردی وجود داشته و خارج از آن امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین مقاومت در برابر قدرت باید از درون لایه‌های قدرت، صورت‌گیرد. قدرت از دیدگاه فوکو، امری بیرونی نیست؛ بلکه در شبکه‌ای از روابط که با هم در تعامل هستند، یک گفتمان را به وجود می‌آورد و قدرت مسلط در یک گفتمان، حقیقت خویش را می‌آفریند. اعمال قدرت با زور و وادارکردن نیروها به انجام کاری بدون آنکه این نیروها در انجام آن، نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند و تحت فشار گذاشتن آنها، از روش‌های رایج اعمال قدرت است؛ اما شکل دیگری از قدرت با مشارکت نیروها و اعمال قدرت همراه با ایجاد منافع مشترک در شبکه‌ای از نقش‌های تعیین‌کننده، اتفاق می‌افتد که قدرت امنیتی و قدرت انضباطی را در جامعه شکل می‌دهد. در این دوره، حاکمان ایلخان، با استفاده از جانمایی آیات مشخص در متن محراب‌های این دوره، به اعمال قدرت و تسلط بخشی فکری و ایدئولوژیکی در سطح جامعه پرداختند و از قدرت انضباطی در سطح جامعه استفاده کردند.

در این مقاله با بررسی گفتمان قدرت در دوره ایلخانی، هدف و انگیزه‌های حکمرانان مغول، از ساخت محراب‌های خاص با آیات مشخص، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سوال اصلی مقاله این است که: چگونه انگیزه‌های قدرت در بین حکمرانان ایلخان، به ایجاد محراب‌های خاص با آیات مشخص کمک نموده است؟ این پژوهش با منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی بر اساس تحلیل گفتمان میشل فوکو انجام می‌پذیرد. علت به‌کارگیری آیات خاص با مضامین مشخص در محراب مساجد ساخته‌شده در دوره ایلخانی، تفکر خاصی را دنبال می‌کند. در این میان تحلیل آیات موجود در محراب‌های این دوره و تطابق آنها با دیدگاه گفتمان قدرت میشل فوکو و مبحث مشروعیت‌طلبی و محبوبیت‌یابی مغولان در این دوره، می‌تواند علاوه بر درک بهتر مفاهیم این محراب‌ها، به شناخت روابط قدرت در این دوره منجر شود؛ از آنجا که هیچ پژوهشی تاکنون به بررسی آیات کتیبه در محراب‌های دوره ایلخانی از دیدگاه میشل فوکو، نپرداخته است، این پژوهش می‌تواند راهگشای محققان دیگر در ارتباط با تحلیل این محراب‌ها از دیدگاه گفتمان قدرت فوکویی باشد.

۲- روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی بر اساس نظریه گفتمان میشل فوکو، شکل گرفته است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. جامعه آماری این پژوهش، ۷ محراب دوره ایلخانی است که آیات خاص با مضمون ولایت را

به نمایش می‌گذارند. این محراب‌ها از بین ۴۲ محراب دوره ایلخانی، به‌صورت گزینشی، انتخاب شده‌اند و مضامین این محراب‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به صورتی که ابتدا به بررسی نظریه تحلیل گفتمان از منظر میشل فوکو و سپس به بررسی محراب‌های دوره ایلخانی از منظر نمایش مضامین خاص، پرداخته شده است؛ در ادامه با توصیف، تفسیر و تبیین آیات این هفت محراب دوره ایلخانی، به مشخص نمودن روابط قدرت و جانمایی آیات خاص در محراب‌های این دوره پرداخته و میزان بهره‌گیری از عوامل قدرت برای نمایش مشروعیت حاکمان مغول، مشخص شده است.

۳- ادبیات پژوهش (مبانی نظری و پیشینه پژوهش)

۱-۳- پیشینه پژوهش

اکثر نویسندگان تاریخ و هنر دوره ایلخانی به محراب‌های این دوره، به‌عنوان شاهکارهای هنر ایران اشاره کرده‌اند؛ اما کتاب مشخصی با این عنوان به محراب‌های دوره ایلخانی نمی‌پردازد. مقالات مرتبط و نزدیک با این پژوهش، عبارتند از: مقاله بررسی و تحلیل ساختاری نقوش محراب‌های دوره ایلخانی، داووده (۱۳۹۳) که در این مقاله نویسنده به شناسایی ساختار ترکیبی نقوش و تجزیه و تحلیل نقوش محراب‌های دوره ایلخانی می‌پردازد و در آخر قابلیت‌های گرافیکی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله شکفته (۱۳۹۴) با عنوان مضمون کتیبه‌های قرآنی در محراب‌های گچی عصر ایلخانیان، نشان می‌دهد که آیات برگرفته شده در محراب‌های دوره ایلخانی، شامل کتیبه‌هایی با مضمون (آیات توحیدی)، (برپایی نماز)، (شرح خصوصیات مؤمنان)، (توصیف ویژگی بنیان مساجد) و (پیروزی مسلمانان بر دشمنان) می‌باشد. در مقاله تحلیل ویژگی‌های مضمونی - بصری و ساختاری در محراب‌های زرین‌فام دوره ایلخانی نوشته زهدی و فرخ‌فر (۱۳۹۷) به محراب‌های زرین‌فام دوره ایلخانی پرداخته و پس از شناسایی این محراب‌ها، ویژگی‌های ساختاری محراب‌های این دوره، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مقاله بررسی و تحلیل تزئینات محراب‌های دوره ایلخانی (با مطالعه ۷ نمونه محراب گچ‌بری و ۳ نمونه محراب کاشی زرین‌فام نوشته فلاحی و پایدارفرد (۱۳۹۸) به نقش مایه‌های به‌کاررفته در محراب‌های گچ‌بری و کاشی‌کاری زرین‌فام دوره ایلخانی می‌پردازد و ارزش‌های بصری آنها را مشخص می‌کند. مقاله تقوی (۱۳۹۸) به مطالعات تطبیقی تزئینات هندسی محراب‌های گچ‌بری دوره ایلخانی با محراب‌های دوره سلجوقی می‌پردازد و نوع تزئینات به‌کاربرده شده در این محراب‌ها را مشخص می‌نماید. تحقیقات انجام‌شده در زمینه محراب‌های دوره ایلخانی، بیشتر در زمینه بررسی نوع نقوش و تقسیم‌بندی نقوش این محراب‌ها و مطالعات تطبیقی صورت گرفته است؛ اما تحقیق حاضر با دیدگاه متفاوت، سعی بر نمایان کردن رابطه بین مشروعیت‌طلبی ایلخانان و آیات و مضامین مورد استفاده در محراب‌های دوره ایلخانی براساس نظریه تحلیل گفتمان دارد.

۲-۳- مبانی نظری

۱-۲-۳- نظریه تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان در زبان پارسی به سخن‌کاوی، تحیل‌گفتار و تحلیل کلام، ترجمه شده است. اصطلاح تحلیل گفتمان، نخستین بار در سال ۱۹۵۱ میلادی در مقاله‌ای به زبان انگلیسی، توسط زلیک هریس به‌کاربرده شد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰). گفتمان، دارای مضامین و معانی خاصی است و اشاره به گروه‌هایی از گزاره‌ها دارد که بر شیوه تفکر درباره یک چیز و نحوه عمل براساس آن ساختار، تأثیر دارد (رز، ۱۳۹۸: ۲۵۷). گفتمان دارای چند وجه معنایی گسترده و چند وجه سطحی است و تعریف‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد. گفتمان، مجموعه‌ای از انگاره‌ها، مفاهیم، اصطلاحات و معانی را یکپارچه کرده و پهنه وسیعی از ادبیات و زبان شناسی، هنر و دیگر حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد (ووداک و میر، ۱۳۹۸: ۲۷). روش تحلیل گفتمان، از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که می‌توان متون نوشتاری و شفاهی را با در نظر گرفتن شرایط زمانی آن، مورد تحلیل و آکاوی دقیق و منسجم قرار داد؛ در این روش پژوهشگر به بازشناسی و ارزیابی دستاوردهای اندیشه‌ای انسان‌ها که به شکل اسناد و مدارک نوشتاری

و شفاهی است، می‌پردازد (عقیلی و لطفی حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۷۰). گفتمان، می‌تواند به معنای گفت‌وگوی دو سخنگو، معنا پذیرد؛ اما گاهی در زبان‌شناسی به معنای به هم پیوستن عناصر زبانی، برای ایجاد یک ساختار معنایی بزرگتر از مجموع آن عناصر مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از گونه‌های این معنای گفتمان همان معنایی، است که در مطالعات فرهنگی به کار برده می‌شود و از میان نظریه‌های گوناگون که در مورد گفتمان مطرح است، دیدگاه میشل فوکو و ژان فرانسوا لیوتار در حوزه مطالعات فرهنگی، موضوعیت می‌یابد. از نظر فوکو، رویه‌ها و نهادهای گوناگون اجتماعی به واسطه‌ی اشکال گوناگون گفتمان، شکل گرفته‌است و در قالب همین گفتمان‌ها واقع شده‌است. از این دیدگاه هر گفتمان ابزاری است، برای سازمان‌دهی و تولید معنا در بستر اجتماع (ادگار و سچ و یک، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

تحلیل گفتمان، بیشتر یک برساخته اجتماعی است تا چیزی که توسط افراد خلق شود. تحلیل گفتمان را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: تحلیل گفتمان، متأثر از میشل فوکو و تحلیل گفتمان، متأثر از زبان‌شناسی در اروپا و کشورهای انگلیسی زبان. هرکدام از این رویکردها بر وجهی از گفتمان متمرکز هستند؛ به عنوان مثال، رویکرد فوکویی بیشتر به مفاهیم کلان، مانند پراکتیس‌ها، گفتمان‌ها، قدرت و دانش می‌پردازد؛ در حالی که در گفتمان زبان‌شناسی، بیشتر بر سطوح خرد متن تمرکز می‌شود (تیلور، ۱۳۹۹: ۱۳). می‌توان گفت: تحلیل انتقادی گفتمان و دیگر برنامه‌های پژوهشی انتقادی، میراثی از روشنگری محسوب می‌شوند که در آن نقادی به‌طور منظم و مداوم در پی پرده‌برداری از ایدئولوژی‌ها و آشکارکردن ساختار قدرت است (ووداک و میر، ۱۳۹۸: ۲۸). فوکو در کتاب دیرینه‌شناسی دانش، اعلام می‌دارد که علوم انسانی جدید، همچون دانش‌های کلاسیک، نمی‌تواند رویکردی جامع و کامل در مورد انسان ارائه کنند و همچون علوم پیشین، محکوم به فروپاشی و زوال هستند (ضمیران، ۱۳۹۹: ۲۵). اشاره به قدرت به‌عنوان یک بازی استراتژیک بین آزادی‌ها نشانگر این موضوع است که بین آزادی و قدرت رابطه نزدیکی وجود دارد (ثقفی و هیندس، ۱۳۹۰: ۱۳).

۳-۲-۲- قدرت

تحلیل فوکو درباره قدرت، یکی از مفاهیم اساسی است که بر مبنای مفهوم (گفتمان) شکل می‌گیرد. هر چند این مفهوم در گذشته مورد استفاده بوده‌است؛ اما دیدگاه میشل فوکو به این مفهوم معنایی دیگر می‌بخشد. برای فهمیدن گفتمان در اندیشه وی، باید رابطه دو مفهوم قدرت و حقیقت را مورد واکاوی قرار داد. بدون داشتن فهم صحیح از قدرت و جامعه و روابط اجتماعی شکل گرفته در یک دوره، پاسخ دادن به مشروع بودن روابط اجتماعی و نهادی روابط قدرت، ناممکن است. براساس دیدگاه فوکو، قدرت در تمامی لایه‌های اجتماعی و روابط فردی وجود داشته و خارج از آن امکان پذیر نیست؛ بنابراین مقاومت در برابر قدرت صورت می‌گیرد. دو نگاه غالب به قدرت، در اندیشه‌های سیاسی غرب در دوران مدرن مشاهده می‌شود: ۱- نگاه به قدرت به منزله یک کمیت یا همان توانایی دست‌زدن به عمل ۲- نگاه به قدرت به‌عنوان یک مقوله که مستلزم اجماع یا دست‌کم توافق تعداد زیادی از افراد که در نتیجه آن توافق یا اجماع، برای خود حقی را در دست‌زدن به عمل قائل می‌شوند (هیندس و ثقفی، ۱۳۹۰: ۱۵). از دیدگاه فوکو حقیقت، هسته مرکزی و اصلی قدرت محسوب می‌شود و به همین علت در گفتمان‌ها به تحلیل حقیقت می‌پردازند و حقیقت، مجموعه‌ای از قواعد و قوانین را در بر می‌گیرد که بر اساس آن‌ها می‌توان درست را از نادرست تمییز داد نه مجموعه‌ای از چیزهای حقیقی که باید آن‌ها را کشف نمود و قبولاند.

در نگاه فوکو، گفتمان شکلی از انضباط است و ما را به سوی دغدغه او، یعنی نسبت بین قدرت و گفتمان هدایت می‌کند. فوکو قدرت را در سراسر جامعه، جاری و ساری می‌داند (رز، ۱۳۹۸: ۲۵۹). قدرت نیز مفهوم مرکزی دیگری در تحلیل انتقادی گفتمان بر شمرده می‌شود که این تحلیل، معمولاً کاربرد زبان را توسط صاحبان قدرت، یعنی مسئولان وضع موجود و نابرابری‌ها، بررسی می‌کند. محققان تحلیل انتقادی گفتمان، به شیوه بازتولید سلطه توسط گفتمان علاقه‌مند هستند؛ یعنی چگونه گروهی بر ضد گروهی

دیگر از قدرت بهره می‌گیرند و چگونه گروه تحت سلطه، در مقابل آن مقاومت می‌کنند (ووداک و میر، ۱۳۹۸: ۳۱).

قدرت همواره برکسانی اعمال می‌شود که در موضع انتخاب قدرت قرار می‌گیرند و هدف آن نفوذ بر روند زندگی و کار افراد است. قدرت، اشاره به مجموعه‌ای از صفات و داشته‌ها دارد که ویژگی‌های مشترکی را دنبال می‌کند و اغلب برای صاحبان‌شان مفید هستند. در این معنا قدرت، در ابزارها، راهکارها، فنون و روشهایی نمود پیدا می‌کند که احتمالاً بر تصمیمات دیگران برای دستیابی به آن‌ها چه در کالاهای تولید شده و چه در فنون، تأثیر می‌گذارد. این تأثیرات، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند بر روی روند تولید و ارائه آنها موثر باشد. در نگاه فوکو، باید روابط قدرت را که به شکل بازی‌های استراتژیک میان آزادی‌ها قرار می‌گیرند، بازی‌های استراتژیکی که به این نتیجه می‌رسند که برخی از مردم در تلاش‌اند رفتار دیگران را کنترل و تعیین کنند، از حالات سلطه که معمولاً ما قدرت می‌نامیم، متمایز کنیم و بین این دو، یعنی بین بازی‌های قدرت و حالت‌های سلطه، تکنولوژی حکومت را داریم. در قطعۀ فوق، سه رابطه قدرت بازنمایی شده است: بازی استراتژیک بین آزادی‌ها، سلطه و حکومت (هیندس و ثقفی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

از نظر فوکو دانش و قدرت با یکدیگر مرتبط هستند و در واقع دانش به‌جای آنکه حقیقت را نشان دهد، رابطه قدرت بین سوژه و ابژه را بازتاب می‌دهد (برنتس، ۱۳۹۷: ۱۸۰) درحقیقت، هیچ دانشی وجود ندارد که پیش‌فرض‌های قدرت را نداشته باشد و هیچ قدرتی وجود ندارد که با حوزه‌های دانش در ارتباط نباشد؛ از این‌رو شناخت روابط قدرت و دانش در شکل‌گیری محراب‌های دوره ایلخانی، در نشان دادن نقش گفتمانی حاکمان مغول در ایجاد این محراب‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۳- معنای واژه محراب

محراب مسجد اریح‌ترین نشانه قبله است که به معماری مربوط می‌شود (آبیار، ۱۳۸۲: ۷۴) از ریشهٔ حرب، به معنای جنگ با شیطان گرفته شده است. محراب، محلی است که انسان با شیطان به جنگ می‌ایستند. اولین محرابها برای نشان دادن جهت قبله و احتمالاً متأثر از مخارجه پشت محراب کلیساهای مسیحی، ساخته شده است (کونل، ۱۳۹۴: ۳۵). مسجد جامع شهرها، با اهمیت ویژه‌ای که داشتند در قلب شهرها ساخته شدند و در و دیوار این مکان، محلی برای هنرنمایی و اعتقاد هنرمندان بود. در دورهٔ ایلخانی، محراب مساجد، بسیار مورد توجه هنرمندان و حکمرانان این دوره قرار گرفت و با بررسی در شکل‌گیری آنها می‌توان، به ظرایف و لطایف این هنر در دوره ایلخانی پی برد. ویژگی مهم و قابل ذکر این محراب‌ها، استفاده از نقوش هندسی، گیاهی و خطوط خوشنویسی به‌صورت توأمان در کنار یکدیگر است که به ایجاد فضای ماورایی و بهشتی منجر شده است.

این خطوط در ترکیب با گلها و نقوش گیاهی و ختایی و اسلیمی در ترکیبی زیبا در کنار هم، نقش زده شده‌اند تا خوانش خطوط در نگاه اول را به چالش بکشند و نمازگزار در هنگام نماز، ذهنش به معانی و کلمات سطور نوشته شده در کتیبه‌ها منحرف نگردد. این کتیبه‌ها دارای اطلاعات و معانی‌ای هستند که در آن‌ها با زحمت و مشقت می‌توان نام هنرمند، نام بانی، آیات قرآنی، نام پیامبر، نام امامان معصوم و... را جستجو کرد؛ از این لحاظ در شکل‌گیری آنها، علاوه بر توجه به زیبایی و هارمونی خطوط و نقوش به معانی الفاظ و کلمات به‌کارگرفته شده در این محرابها، توجه شده است. مساجد بسیاری در این دوره با حمایت مغولان ساخته شد و در این مساجد، محرابها از اهمیت بالایی برخوردار بودند. دیوار روبه قبله مساجد که به سوی قبله ساخته می‌شد از همان روزهای نخستین ساخت مسجد، مشخص گردید و برای تعیین جهت قبله نمازگزاران، مورد توجه قرار گرفت. در زمان پیامبر، جایگاهی به‌عنوان محراب در مسجد وجود نداشت و «نخستین محراب توسط عبدالملک در سال ۶۹۴ میلادی در مسجدالنبی در مدینه، ساخته شد» (کونل، ۱۳۹۴: ۳۴). بعد از آن، بنا به اهمیت مساجد و حمایت بانیان، محراب مساجد با انواع مصالح، همچون سنگ مرمر، گچبری، موزائیک، چوب و غیره تزئین گشت و از نمود تزئینی محرابها برای نمایش اوج ایمان و ارادت سازندگان در تزئین خانه خداوند، بهره برده شد.

در مجموعه‌ی بناهای دوره‌ی ایلخانی از انواع روش‌ها و مواد و مصالح برای زیباسازی فضاهای معماری استفاده شده است. از مهم‌ترین محراب‌ها و کتیبه‌های این دوره می‌توان به محراب‌ها و کتیبه‌های مساجد جامع اورمیه، ورامین، نیریز، سمنان، اصفهان (محراب الحایتی)، اردستان، ابرقو، زواره، بسطام، «پیرحمزه سبزپوش» و «پیربکران» اصفهان اشاره کرد.

بیش از ۸۷٪ از بناهای دوره ایلخانی براساس بنیاد مذهب شکل گرفته‌اند و ساختمان‌های عام‌المنفعه، همچون کاخ، بیمارستان و کاروانسرا در این دوره کمتر دیده می‌شود. یک رصدخانه، سه کاروانسرا و ۵۲ امامزاده و مقبره و مابقی مساجد و محراب و مناره و ۲ مدرسه حاصل دستگاه خلافت دوره ایلخانی در این دوره است (بختیاری فرد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۸). بنا بر فهرستی که ویلبر (۱۳۶۵) از ۱۲۴ اثر باقی مانده از دوره ایلخانی در کتاب هنر اسلامی در دوره ایلخانان اعلام کرده است، حدود ۴۲ محراب از این دوره باقی مانده است که بسیاری از این محراب‌ها با گچ‌بری تزئین شده‌اند و از شاهکارهای گچ‌بری دوره ایلخانی محسوب می‌شوند. تزئین کاشی در اواخر دوره ایلخانی مورد توجه و علاقه هنرمندان قرار می‌گیرد. گچ‌بری، مهم‌ترین عنصر شناخته شده در تزئینات وابسته به معماری این دوره است و گچ‌بری تودرتوی سه‌بعدی مدت سه قرن رواج فراوانی داشت (پوپ، ۱۳۸۶: ۱۵۶). ما در این زمان، شاهد پُرکارترین و زیباترین کتیبه‌ها، محراب‌ها و تزئینات گچی هستیم. محراب‌های باقی مانده از دوره ایلخانی به‌عنوان شاهکارهای گچ‌بری این دوره محسوب می‌شوند و حتی چند عدد از این محراب‌ها در محل اصلی خود نیستند و در موزه‌های مهم به نمایش گذاشته شده‌اند (قربانزاده، ۱۳۸۶: ۳۸).

۳-۲-۴- مذهب، محراب و تأثیر آن بر مشروعیت‌بخشی ایلخانان

قوبلای خان به سال ۶۵۷ هجری قمری در چین سلسله یوآن را به وجود آورد و با بخشودن لقب ایلخان به هولاکو سعی در بهبود روابط خانوادگی میان مغولان داشت. در این میان، ایرانیان با همکاری و همراهی نمودن مغولان، تلاش نمودند تا بدون خونریزی، آنها را کنترل و خوی وحشی آنها را نسبت به خود رام کنند. مذهب یکی از شیوه‌های تغییر نگرش حاکمان بود و چینیان هم مانند ایرانیان سعی در بودایی نمودن قوبلای خان داشتند تا از طریق مذهب بتوانند او را کنترل کنند؛ اما قوبلای خان، همانند هولاکو که دین اسلام را نپذیرفت، اعتنایی به دین بودایی نشان نداد (مورگان، ۱۳۷۱: ۱۶۹).

پس از کشته شدن خلیفه عباسی در بغداد، معادلات سیاسی قدرت تغییر نمود و خلافت اسلامی که حکومت‌ها از آن مشروعیت می‌طلبیدند، به یکباره از بین رفت و خلافت اسلامی به مصر منتقل گردید. این خلافت اگرچه قدرت زیادی نداشت؛ اما به نوعی به حکومت مملوکان مشروعیت می‌بخشید. غازان خان، برای مقابله با قدرت اسلامی مملوکان در مصر، تلویحاً مسلمان شد و به آیین اسلام درآمد (اشپولر، ۱۳۸۰: ۱۹۱) و آیین اسلام توسط اولجایتو و پسرش ابوسعید نیز پذیرفته شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸: ۳۱۳) و به‌عنوان دین رسمی مغولان معرفی گردید.

مذهب شیعه در طول دوران حکومت مغولان بر ایران، فراز و فرودهای بسیاری را متحمل شد. هولاکو خان مغول، پس از مرگ خلیفه، وزیر معتصم (ابن علقمی) را زنده نگه داشت و او را اکرام کرد و بغداد را در اختیار او گذاشت. ابن علقمی، بعدها منزلت یافت و وزارت بغداد به وی محول شد و پس از چند ماه وزارت، درگذشت. ابن علقمی شیعه بود و پسرش نیز بعد از مرگ وی وزارت یافت و در زمان وی شیعیان در بغداد قدرت یافتند. در ایران خواجه نصیرالدین طوسی که نزد هولاکو شهرت، مقام، معروفیت و محبوبیتی داشت، مغولان را با مذهب شیعه آشنا ساخت و فرهنگ شیعی را به مغولان معرفی نمود. در این دوره شیعیان به مغولان، به‌عنوان وسیله‌ای برای رهایی از دست اهل ظلم نگاه می‌کردند (حسینی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۶).

تشییع در زمان غازان خان، جانی دوباره گرفت و توجه وی به سادات و شیعیان، نشان از رشد و توسعه مذهب تشیع در جامعه داشت؛ پس از غازان خان، اولجایتو مذهب تشیع را انتخاب نمود و نام خود را به سلطان محمدخدا بنده تغییر داد. وی مسلمانی خشک مذهب بود و دستور داد تا نام دوازده امام شیعه را بر روی سکه‌ها نقش و خطبه‌ها به نام امامان معصوم خوانند. نیاز به تصویر

اشخاص بر روی سکه‌ها ناشی از ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی فاتحان بود که با تغییر در طرح سکه‌ها برای هماهنگ کردن سکه‌های جدید با مفاهیم عرفی جامعه شکل گرفت و سکه‌هایی که در ضرب‌خانه‌های فرمانروایان ایلخان ضرب می‌شد با تغییر مذهب و قرارگیری نقش عبارت (لااله الاالله، محمد رسول‌الله) سیمای اسلامی حکومت جدید ایلخانان را به تصویر می‌کشید (عکاشه، ۱۳۸۰: ۸۹).

با قدرت‌گیری شیعیان در دربار اولجایتو، نیروهای سنی مذهب با دسیسه و نیرنگ، سعی در فتنه‌انگیزی داشتند که تا حدودی هم موفق شدند و موجبات قتل رشیدالدین فضل‌الله همدانی را رقم زدند. هرچند رشیدالدین، مذهب شافعی داشت؛ ولی از حامیان و طرفداران شیوخ بود و محبت خاصی نسبت به شیعیان داشت (لین، ۱۳۸۹: ۳۳۴). رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب جامع‌التواریخ، سعی نمود تا دولت نوپای مغول را ادامه‌دهنده دولت اسلامی جلوه دهد تا خلأ ناشی از سقوط خلافت حکومت عباسیان را به دست هولاکو پر کند (عکاشه، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

در دوران حکومت اولجایتو و سلطان ابوسعید، بیشترین توجه به مذهب شیعه و ساخت مساجد با محراب‌های گچ‌بری شده دیده می‌شود و این محراب‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ مذهب شیعه و حکومت‌داری ایلخانان، مورد بهره‌برداری مغولان قرار گرفت. وزراء و دیوان‌سالاران ایرانی از اسلام آوردن حاکمان مغول سه هدف بسیار مهم را دنبال می‌کردند: ۱- با انجام وظایف دینی و مذهبی، شاهی عادل، تربیت کنند و ایلخانان را به عدالت شاهی نزدیک نمایند. ۲- قدرت حاکمان مغول را کاهش داده و سهم ایرانیان را در امور دولتی افزایش دهند. ۳- محبوبیت و مشروعیت حاکمان مغول را در اذهان عموم افزایش دهند.

۴- یافته‌های پژوهش (بحث و تحلیل)

۴-۱- توصیف و تحلیل آیات و نوشته‌های محراب‌های دوره ایلخانی

بررسی‌های انجام شده بر روی آیات و نوشته‌های مورد استفاده بر روی محراب‌های دوره ایلخانی نشان می‌دهد که: این محراب‌ها دارای سه دسته خطوط، با معانی متفاوت هستند: **دسته اول:** آنهایی که مربوط به نماز و مسجد و برپایی نماز هستند؛ مثل سوره‌های اخلاص و فاتحه و آیات ۱۴ و ۱۵ و ۲۳۸ سوره بقره، آیات ۱۷ و ۳۹ سوره آل‌عمران، آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ سوره هود، آیات ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم، آیات ۱۱ سوره مریم، آیه ۷۷ سوره حج، آیات ۱ تا ۱۴ سوره مومنون، آیات ۹ و ۱۰ سوره جمعه؛ **دسته دوم:** آیاتی که به شکل آشکار با مسجد و محراب و نماز ارتباطی ندارند و کاربرد بی‌قید و منظور و عامی دارند؛ مثل آیات ۲۳ و ۱۶۳ و ۲۳۸ و ۲۵۵ سوره بقره، آیات ۱۹ آل‌عمران، آیات ۶۲ و ۶۳ سوره یونس، آیه ۳۵ سوره ابراهیم، آیات ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۲ سوره اسراء، آیه ۵۶ سوره احزاب، آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم و آیات ۱ تا ۴ سوره قلم؛ **دسته سوم:** آیاتی که به حکومت و حکومت‌داری حاکمان توجه دارد؛ مثل آیات ۲۶ سوره آل‌عمران، آیه ۵۹ سوره نساء، آیات ۱ تا ۵ سوره یاسین و آیات ۱ تا ۴ سوره فتح.

این آیات بدین ترتیب در محراب مساجد دیده می‌شوند: آیه ۲۶ سوره آل‌عمران: مسجد کرمانی تربت جام؛ آیه ۵۹ سوره نساء: مسجد جامع اصفهان محراب اولجایتو؛ آیات ۱ تا ۵ سوره یاسین در محراب مسجد جامع ساوه؛ آیات ۱ تا ۴ سوره فتح: محراب مسجد جامع کرمانی تربت جام؛ محراب مسجد جامع ابرقو؛ محراب مسجد جامع فارفان؛ محراب مسجد جامع بسطام؛ مسجد جامع ورامین؛ محراب مسجد جامع ساوه منبع: (قرآن کریم).

آیات گروه سوم به هیچ‌وجه در محراب‌های ساخته شده در ادوار قبل از دوره ایلخانی در ایران، به کار گرفته نشده‌اند (بختیاری فرد، ۱۳۹۵: ۲۱۶). این مضامین برای نخستین بار در محراب‌های این دوره مورد استفاده قرار می‌گیرند و این نشان‌دهنده آن است که محراب‌هایی که آیات ذکر شده، بر روی آنها نوشته شده، با هدف و انگیزه خاصی طراحی شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند و این آیات با تفکرات سازندگان و بانیان ساخت این محراب‌ها همسو بوده‌است. این محراب‌ها شامل: ۱- مسجد جامع کرمانی تربت جام ۲- محراب

مسجد جامع اصفهان ۳- محراب مسجد جامع ساوه ۴- محراب مسجد جامع ابرقو ۵- محراب مسجد جامع فارفان ۶- محراب مسجد جامع بسطام ۷- مسجد جامع ورامین، می‌شوند که در این مقاله به آنها می‌پردازد. در جدول شماره ۱ به محرابهای دوره ایلخانی و آیات مشخص مورد استفاده در آنها پرداخته شده است.

جدول شماره ۱- مساجد و محرابهای دوره ایلخانی و آیات و ذکرهای به‌کار رفته در آنها، تنظیم: نگارندگان

شماره مسجد	سال ساخت	آیات	ذکر
۱	۴۹۸ ه.ق	آیات ۱۸ تا ۱۹: سوره آل عمران	ذکر الحمدالله
۲	۵۰۸ ه.ق	مومنون: آیات (۴ تا ۱)، (۷ تا ۱)، (۱۴ تا ۱)	نشانه ندارد.
۳	بدون تاریخ	بقره: آیه ۱۶۳، آل عمران: ۱۷، احزاب: ۵۶، الاخلاص: آیات (۱ تا ۴)	مسجد ری (موزه ملی ایران)
۴	۵۱۳ ه.ق	آیات ۱۸ تا ۱۹: سوره آل عمران	مسجد مدرسه حیدریه قزوین
۵	۵۳۰ ه.ق	آیات ۱۸ تا ۱۹: سوره آل عمران، توبه: آیات ۱۸ تا ۱۹، اسراء: آیات ۷۸ تا ۸۰	مسجد جامع زواره
۶	۵۵۳ ه.ق	توبه: آیات ۱۸ تا ۱۹، ابراهیم: آیات ۴۰ و ۴۱، اسراء: آیات ۸۲، ۸۰، ۷۸، حج: آیه ۷۷	مسجد جامع اردستان
۷	۶۱۲ ه.ق	بقره: آیه ۱۱۴ تا ۱۱۵، آیات ۱۸ تا ۱۹: سوره آل عمران، آل عمران: آیه ۳۹، هود: آیه ۱۱۴ تا ۱۱۵	محراب نگهداری شده در آستان قدس
۸	۶۱۵ ه.ق	اطلاعاتی در مورد این محراب در دست نیست.	محراب مسجد جامع شهر نگار کرمان
۹	۶۱۶ ه.ق	سوره مومنون	مسجد زوزن خواف
۱۰	۶۲۳ ه.ق	اسراء: آیات ۷۸ تا ۸۱	مسجد میدان کاشان
۱۱	۶۶۳ ه.ق	این محراب در موزه برلین نگهداری می‌شود.	محراب قم
۱۲	۶۷۶ ه.ق	در حومه رضائیه در ساحل غربی دریاچه رضائیه واقع شده است.	محراب مسجد رضائیه ارومیه
۱۳	۶۷۶ ه.ق	بقره: آیه ۲۵۵ (آیه الکرسی)، مومنون: آیات (۴ تا ۱)، (۷ تا ۱)، (۱۴ تا ۱)	مسجد جامع ارومیه
۱۴	۶۹۹ ه.ق	این مسجد در جنوب سلطانیه واقع شده است.	مسجد جامع سنجاس
۱۵	۷۰۰ ه.ق	در نایین، ۱۵۹ کیلومتری اصفهان، این مسجد ساخته شده است.	مسجد بابا عبدالله نایین
۱۶	۷۰۰ ه.ق	قریه کوه رود، در سر راه کاشان و نطنز واقع شده است.	مسجد علی کوه رود
۱۷	حدود ۷۰۰ ه.ق	در شمال شرقی شهر اردبیل واقع است.	مسجد جامع اردبیل
۱۸	حدود ۷۰۰ ه.ق	این مسجد در شهر هرات افغانستان واقع شده است.	مسجد جامع هرات
۱۹	بدون تاریخ	بقره: آیه ۲۵۵ (آیه الکرسی)، الدهر (انسان): آیات ۱ تا ۴	گنبد علویان
۲۰	۷۰۵ ه.ق	ابراهیم: آیه ۳۵، حج: آیه ۲۶، یاسین: آیات ۱ تا ۹، فتح: آیات ۱ تا ۴	مسجد جامع ساوه
۲۱	۷۰۸ ه.ق	سوره فاتحه، مومنون: آیات (۱ تا ۴)، (۷ تا ۱)، (۱۴ تا ۱)، سوره اخلاص: ۱ تا ۴	مسجد اشترجان (موزه ملی ایران)
۲۲	بدون تاریخ	مومنون: آیات (۴ تا ۱)، (۷ تا ۱)، (۱۴ تا ۱)	مسجد جامع تبریز
۲۳	بدون تاریخ	فاتحه، اسراء: آیات ۷۸ تا ۸۰	شاهزاده عبدالله کودزر اراک
۲۴	بدون تاریخ	فاتحه، آیه الکرسی، آل عمران: ۱۸ تا ۱۹، قلم: آیات ۵۱ و ۵۲ (و ان یکاد...)	مسجد هفتشویه اصفهان
۲۵	بدون تاریخ	اخلاص، هود: آیات ۱۱۴ و ۱۱۵	مسجد کوچک میرنطنز

۲۶	مسجد جامع بسطام	۷۰۶-۷۰۲ ه.ق	توبه: آیات ۱۸ و ۱۹، هود: آیات ۱۱۴ و ۱۱۵، فتح: آیات ۱ تا ۴، جمعه: آیه ۹ تا ۱۰
۲۷	ربیعہ خاتون اشترجان	۷۰۸ ه.ق	فاتحه، مومنون: آیات (۴ تا ۱)، (۷ تا ۱)، (۱ تا ۱۴):، سوره اخلاص
۲۸	مسجد جامع اصفهان محراب اولجایتو	۷۱۰ ه.ق	نساء: آیه ۵۹
۲۹	مقبره پیربکران	۷۱۲ ه.ق	آیه الکرسی، انسان: آیات (۱ تا ۴)
۳۰	مجموعه پایزید بسطامی	۷۱۳ ه.ق	آیه الکرسی، توبه: آیات (۱۸ و ۱۹)
۳۱	مسجد جامع اشترجان	۷۱۵ ه.ق	انسان: آیات (۱ تا ۴)
۳۲	مسجد جامع فارغان	بدون تاریخ	بقره: آیه (۲۲) و (۲۳۸)، حج: آیه (۷۷)، فتح: آیه (۱ تا ۴)، ذکر (الملك الله)
۳۳	مسجد نس موس شهر بردع	۷۲۰ ه.ق	این مسجد اکنون در داخل مرزهای فعلی روسیه قرار دارد.
۳۴	مسجد جامع فریومد	۷۲۰ ه.ق	مریم: آیه ۱۱
۳۵	مسجد جامع ورامین	۷۲۶-۷۲۲ ه.ق	جمعه: آیات (۹ و ۱۰)، فتح: آیات (۱ تا ۴)
۳۶	مسجد دشتی اصفهان	حدود ۷۲۵ ه.ق	در ۱۹ کیلومتری اصفهان در ساحل جنوبی زاینده‌رود قرار دارد.
۳۷	مسجد کاج اصفهان	حدود ۷۲۵ ه.ق	در ۲۱ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان در شمال زاینده‌رود واقع است.
۳۸	مسجد ازیران اصفهان	حدود ۷۲۵ ه.ق	این مسجد در ۳۲ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان واقع شده است.
۳۹	مسجد جامع یزد	حدود ۷۲۴- ه.ق	این مسجد در مرکز یزد قرار دارد. سوره فتح آیات (۱ تا ۴) (ذکر الملك لله)
۴۰	مسجد جامع مرند	۷۳۰ ه.ق	توبه: آیات (۱۸ تا ۱۹)
۴۱	مسجد جامع میان‌ده کوهپا	۷۳۵ ه.ق	ده کوهپا در سر راه اصفهان و ناین در ۷۷ کیلومتری شرق اصفهان واقع شده است.
۴۲	مسجد جامع ایرقو	۷۳۸ ه.ق	فتح: آیات (۱ تا ۴)، ذکر (الملك الله)
۴۳	بقعه شاه‌کرم	۷۴۰ ه.ق	توبه: آیات (۱۸ تا ۱۹)
۴۴	مسجد جامع کرمان	۷۵۰ ه.ق	در کتیبه سفالی سردر مسجد تاریخ ۷۵۰ ه. ق آورده شده است.
۴۵	بقعه میر زبیر	۷۵۱ ه.ق	اسراء آیات (۷۸ تا ۸۰)
۴۶	مسجد جامع کرمانی تربت جام	بدون تاریخ	آل عمران: آیه ۲۶ (آیه ملک)، یونس: آیات (۶۲ تا ۶۳)، فتح: آیات (۱ تا ۴)
۴۷	مسجد جامع سمنان	۷۵۵ ه.ق	در کتاب مرآت البلدان زمان ساخت شبستانهای جنوبی این مسجد را به دوره ارغون نسبت می‌دهد و آیه ۳۲ سوره فصلت در آن قابل رویت است.
۴۸	مسجد گنبد آزادان اصفهان	۷۶۶ ه.ق	این مسجد در شمال غربی شهر اصفهان واقع شده است.
۴۹	مسجد جامع قاین	۷۷۰ ه.ق	در کتیبه‌ای از قاضی شمس‌الدین القارنی تاریخ بنا ۷۷۰ ه.ق آورده شده است.
۵۰	مسجد جامع باکو	۷۸۰ ه.ق	این مسجد یکی از ساختمانهای سلطان ابن سلطان شیخ خلیل الله است که در کتیبه‌ای در این مسجد نام وی آورده شده است.
۵۱	مسجد پامنار کرمان	حدود ۷۹۳ ه.ق	این مسجد در چندصد متری شمال غربی مسجد جامع کرمان واقع است.
۵۲	مسجد پامنار زواره	بدون تاریخ	این مسجد دارای مقدار زیادی تزئین گچی می‌باشد که روی تزئینات دوره سلجوقی کار شده است.

در تفسیر آیات به‌کار برده‌شده در ۷ محراب دوره ایلخانی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

آیات ۱ تا ۴ سوره فتح: از پرتکرارترین آیات مورد استفاده در محراب‌های دوره ایلخانی هستند و در محراب‌های قبل از دوره ایلخانی دیده نمی‌شوند. این آیات در محراب شش مسجد بزرگ دوره ایلخانی (مسجد جامع ساوه، مسجد جامع بسطام، مسجد جامع ابرقو، مسجد جامع فارغان، مسجد جامع کرمانی، مسجد جامع ورامین نگاشته شده‌اند. (جدول شماره ۱). معنای این آیات در ذیل آورده می‌شود:

به نام خداوندی که هم رحمان و هم رحیم است. به درستی که ما برای تو فتحی آشکار نمایان کردیم (۱) تا خداوند آثار گناهانی که بدهکار مشرکین بودی از دل‌های آنان بزدايد، چه گذشته‌ات و چه آینده‌ات را، و نعمت خود بر تو تمام نموده به سوی صراط مستقیم رهنمونت شود. (۲) و به نصرتی شکست‌ناپذیر یاریت کند. (۳) او همان خدایی است که سکینت و آرامش و قوت قلب را بر دل‌های مؤمنین نازل کرد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. (۴) آری برای خدا همه رقم لشکر در آسمانها و زمین هست و خدا مقتدری شکست‌ناپذیر و حکیمی فرزانه است.

مضامین آیات سوره فتح با قصه صلح حدیبیه که در سال ششم هجری شمسی اتفاق افتاد، ارتباط مستقیم دارد. کاربرد آیات سوره فتح در بسیاری از محراب‌های دوره ایلخانی پس از اسلام آوردن حکام مغول، نوعی خوش‌بینی از وضع موجود بود که در یک قیاس، آن را با مسلمان شدن کفار در دوره پیامبر اکرم، همانند می‌دیدند و از روی امید و مثبت‌اندیشی محراب‌ها را با این آیات مزین می‌نمودند. بعد از برتخت نشستن هولاکو در ایران و پیروزی بر دشمنان و فائق آمدن بر آشفتگی‌ها و رسیدن به قدرت مطلقه در سرکوب دشمنان، ایلخانان به نمادی از خوشنودی خداوند و تجلی اراده الهی معرفی می‌شوند. در ادامه با نابودی اسماعیلیه و فائق آمدن بر دشمنان مشیت الهی خداوند آشکار می‌شود و ایلخانان مأموران انجام فرامین الهی و از بین بردن دشمنان اسلام و اجرای فرمانهای موافق شریعت الهی می‌گردند و با اسلام پذیرفتن غازان خان قوم بی‌دین و کافر مغول به دین اسلام روی آورد.

آیات ۱ تا ۵ سوره یاسین: ۱- یس ۲- سوگند به قرآن حکیم ۳- که تو قطعاً از رسولان (خداوند) هستی ۴- بر راهی راست (قرار داری) ۵- این قرآنی است که از سوی خداوند توانا و مهربان نازل شده‌است.

آیات ۱ تا ۵ سوره یاسین که بر محراب مسجد جامع ساوه نقش بسته‌است (جدول شماره ۲) نمونه‌ای از این نگاه خوش‌بینانه است. این آیات از ایمان نیاوردن و جهل کفار سخن می‌گوید. آنهایی که به کتاب آسمانی و قرآن کریم، هیچ اعتقادی ندارند و همانند مغولان بی‌باانگردی هستند که جز کشتار و وحشیگری از خود هنری ندارند و ساخت این محراب و نگارش این آیات بر کتیبه‌های محراب باید زمانی اتفاق افتاده باشد که هنوز هیچ کدام از حاکمان مغول به کیش اسلام در نیامده بودند. نخستین حاکم مغول که اسلام آورد، احمد تکودار بود که در سال ۶۸۰-۶۸۳ هجری قمری، به ایلخانی رسید. مسجد جامع ساوه که محراب آن در سال ۶۸۰ هجری قمری ساخته شده‌است نشان‌دهنده این موضوع است که این محراب بر روی محرابی که قبل از این تاریخ ساخته شده، کار شده و در دوره‌های مختلف دچار تغییر گشته‌است و وجود آیات سوره یاسین اشاره‌ای به خارج شدن ارغون خان پسر اباق‌خان (۶۹۰ تا ۶۸۳ هجری قمری) از شریعت اسلام دارد که پس از احمد تکودار، از دین اسلام خارج شد و آیین مغولی و بودایی را مورد احترام و ستایش قرار داد.

آیه ۵۹ سوره نساء:

آیه ۵۹ سوره نساء در محراب اولجایتو مسلماً پس از اسلام پذیرفتن اولجایتو و تغییر نام این ایلخان به محمد خدابنده (خربنده) در محراب مسجد جامع اصفهان کار شده‌است (جدول شماره ۳). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر خدا و اولوالأمر او اطاعت کنید و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش برای شما نیکوتر است.

پس از اسلام آوردن اولجایتو: آیاتی در محراب‌های مساجد مورد استفاده قرار می‌گیرد که بیشتر برای مشروعیت‌بخشی به حاکم

مغول مورد استفاده قرار گرفته است. از معروفترین این محراب‌ها محراب مسجد جامع اصفهان است که در آن آیه ۵۹ سوره نساء را به صورت گچ‌بری بر محراب این مسجد نگاشته شده است و از واجب بودن اطاعت مردم از صاحبان امر بعد از اطاعت از خدا و رسول صحبت به میان آورده است و بنابر تفسیر ابوالفتح رازی (از مفسران و علمای بزرگ شیعه در سده ششم هجری) اولوالامر، کسی جز حاکم مغول نیست.

گروه سوم: آیاتی هستند که بیشتر مضامین آنها با حکومت و حکومت‌داری توسط حاکمان ارتباط پیدا می‌کند؛ مثل آیات ۲۶: سوره آل‌عمران: بگو (ای پیغمبر): بارخدا، ای پادشاه ملک هستی! تو هرکه را خواهی، ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی ملک و سلطنت باز پس‌گیری، و هرکه را خواهی، عزت دهی و هرکه را خواهی، خوار گردانی، هر خیر و نیکی به دست توست و تنها تو، بر هر چیز توانایی.

محراب مسجد جامع کرمانی تربت‌جام، با آیه ۲۶ سوره آل‌عمران (آیه ملک) مزین شده است و تاریخ ساخت این محراب مربوط به سال ۷۱۷ هجری قمری و عمل استاد مسعود کرمانی است. سوره یاسین، با خط ثلث و بر روی گچ به صورت برجسته و به اسلوب سده هشتم هجری قمری، کتابت شده است. این محراب از لحاظ ترکیب کلی و از نظر اجزاء شباهتهای زیادی به محراب امامزاده ربیع‌خاتون در اشترجان اصفهان دارد که در سال ۷۰۸ هجری قمری ساخته شده است. هولاکو این آیه را بر سکه‌های خود ضرب نمود و این کار باید در اثر راهنمایی شخص خواجه نصیرالدین طوسی صورت گرفته باشد (ناظری و بختیاری فرد، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

ایلخانان با استفاده از اندیشه‌های دینی شیعه و منتسب کردن خود و خاندان مغولان به اسلام شیعی، در محبوبیت‌یابی حکومت خود، از این اندیشه‌های سیاسی استفاده نموده‌اند. حضور این مضامین جدید در کتیبه‌ها و محراب‌ها، نشان از استفاده سیاسی و مذهبی ایلخانان از مساجد، برای ایجاد مشروعیت حکومت آنان دارد. از سوی دیگر، مساجد به‌عنوان پایگاهی مذهبی و فرهنگی، بآداشتن مخاطبین متنوعی از اقصای مختلف جامعه، به خوبی پاسخگویی نیاز تبلیغاتی ایلخانان بود و آنها با استفاده از این مضامین و جانمایی معانی مورد نظر در محراب مساجد به خوبی، به نمایش قدرت سیاسی و فرهنگی حکومت خود می‌پرداختند. در جدول شماره ۲ آیات به‌کاررفته در هفت محراب، مورد پژوهش آورده شده است.

جدول شماره ۲- آیات قرآنی به‌کار گرفته شده در محرابهای دوره ایلخانی، تنظیم: نگارندگان

شماره	نام مسجد	تاریخ ساخت	سوره‌های به‌کاررفته در این محرابها
۱	محراب مسجد جامع کرمانی تربت‌جام	تاریخ ساخت ۷۱۷ هجری قمری	آل‌عمران: آیه ۲۶ (آیه ملک) - یونس: آیات ۶۲ و ۶۳
۲	محراب مسجد جامع اصفهان (اولجایتو)	۷۱۰ هجری قمری	نساء: آیه ۵۹ (آیه اولی‌الامر)
۳	محراب مسجد جامع ساوه	۷۰۵ هجری قمری	ابراهیم: آیه ۳۵ - حج: آیه ۲۶ - یاسین: آیات ۱ تا ۹
۴	محراب مسجد جامع ابرقو	۷۳۸ هجری قمری	ذکر الملک‌الله
۵	محراب مسجد جامع فارغان	تاریخ ساخت در میانه سالهای ۷۰۰ تا ۷۲۰	بقره: آیات ۲۲ و ۲۳۸ - حج: آیه ۷۷
۶	محراب مسجد جامع بسطام	۷۰۶-۷۰۲ هجری قمری	توبه: آیات ۱۸ و ۱۹ - هود: آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ - جمعه: آیات ۹ و ۱۰
۷	محراب مسجد جامع ورامین	۷۲۶-۷۲۲ هجری قمری	جمعه: آیات ۹ و ۱۰

مضامین خاصی در آیات به‌کار برده‌شده در ۷ محراب دوره ایلخانی وجود دارند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود: حکمرانان مغول برای مشروعیت‌بخشی به حکومت خود، از هر تلاشی بهره‌بردند و گاهی خود را به اسلام و تشییع نزدیک می‌کردند و گاهی خود را با شاهان ایران باستان همسان می‌پنداشتند. مهم‌ترین مسئله‌ای که مشروعیت ایلخانان را سامان می‌بخشید، تثبیت آنها به‌عنوان جانشین خدا، خیر و بخشنده است (شکرپور، ۱۳۹۳: ۳۱۷) که این مهم، توسط وزیران و دیوانسالاران ایرانی به خوبی در زمینه‌های فرهنگی و هنری مختلف محقق گشت.

میزان رضایت‌مندی و فرمانبرداری شهروندان از یک حکومت و میزان مشروعیت آن نظام، نسبتی مستقیم دارد و حکومت‌ها بخش مهمی از مشروعیت‌یابی خود را به شکل آثار هنری و حمایت از هنرمندان دنبال می‌کنند (همان: ۳۱۹). ایلخانان به خوبی به این موضوع پی برده بودند و با حمایت و توسعه علوم مختلف، ترویج علم‌ودانش، توجه به دینداری، حمایت و احترام به مشایخ و اهل تصوف، احترام و پاس داشت علما و دانشمندان و استفاده از وزرای ایرانی، در دوره ایلخانی، همچون غازان‌خان، اولجایتو و ابوسعید نشان از غلبه معنوی تمدن غنی ایران، بر مهاجمان وحشی و فاتحان نیرومند مغول دارد (سودآور، ۱۳۸۰: ۳۶)؛ از سوی دیگر، جانمایی آیات هم‌سو با دیدگاه‌های سیاسی مغولان، در محراب مساجد و بهره‌گیری از آیاتی که به ولایت و مشروعیت و محبوبیت آنان توجه داشت، نشان از این موضوع دارد که مغولان جز زور شمشیر و وحشی‌گری هنری از خود نداشتند و با توسل به اسلام و استفاده از بزرگان و اندیشمندان ایرانی، سعی در آفرینش هویت جدیدی برای خود داشتند که تا حدود زیادی به این مقاصد رسیدند. در جدول شماره ۳ تصاویر ۷ محراب دوره ایلخانی و اوضاع سیاسی این دوره به تصویر درآمده است.

جدول شماره ۳- تصاویر محرابهای منتخب مورد پژوهش، تنظیم: نگارندگان

شماره	اوضاع سیاسی	زمان ساخت	تصویر
تصویر شماره: ۱ محراب مسجد ساوه	اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران از رفاه نسبی برخوردار بود و اولجایتو دین اسلام را به عنوان دین رسمی کشور اعلام کرد و نام خود را به محمد خدا بنده تغییر داد.	این محراب در زمان سلطنت اولجایتو ۷۱۶-۷۰۳ هجری قمری ساخته شد.	
تصویر شماره: ۲ مسجد جامع بسطام	اصلاحات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دستور غازان‌خان انجام گرفت و این مسجد بین سالهای ۷۰۰ تا ۷۰۸ هجری قمری ساخته شده است.	به احتمال بسیار زیاد، محراب مسجد جامع بسطام در سال (۷۰۲ هجری قمری) ساخته شده است.	
تصویر شماره: ۳ محراب جامع عتیق اصفهان (محراب اولجایتو)	اولجایتو دین اسلام را به عنوان دین رسمی کشور اعلام کرد و نام خود را به محمد خدا بنده تغییر داد.	محراب مسجد جامع اصفهان، موسوم به اولجایتو از سده هفتم هجری به همت محمد ساروی وزیر، ساخته شده و از شاهکارهای گچ‌بری این دوره است (آیت اللهی، ۱۳۸۰، ۲۳۲).	

	<p>این محراب فاقد تاریخ است؛ اما باوجود تزئینات مشابه با بنای مقبره پیربکران تاریخ بنا را می‌توان بین حدود سالهای ۷۰۰ تا ۷۲۰ هجری قمری تخمین زد.</p>	<p>به احتمال بسیار زیاد این محراب در زمان غازان خان و اولجایتو ساخته شده است و در آن نفیس‌ترین نمونه‌های نقوش باقی مانده از دوران سلجوقی دیده می‌شود.</p>	<p>تصویر شماره ۴: محراب مسجد فارفان</p>
	<p>این محراب در تاریخ ۷۲۲ تا ۷۲۶ هجری قمری ساخته شده است.</p>	<p>این محراب در زمان ابوسعید بهادرخان ساخته شده است و دین رسمی در این زمان دین اسلام است.</p>	<p>تصویر شماره ۵: محراب مسجد جامع ورامین</p>
	<p>این محراب در ۷۳۸ هجری قمری پس از مرگ ابوسعید بهادرخان سلطان مغول و به سلطنت رسیدن ساتی بیک دختر اولجایتو ساخته شده است.</p>	<p>در این زمان اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از آشوب‌های فراوان، پس از مرگ ابوسعید با قدرت‌گیری دختر اولجایتو آرامشی کوتاه می‌یابد.</p>	<p>تصویر شماره ۶: محراب مسجد جامع ابرقو</p>
	<p>تاریخ ساخت این مسجد را بنا به نوشته کتیبه‌ای در بنا، مربوط به ۷۱۷ هجری قمری می‌دانند. درخصوص تاریخ ساخت محراب این بنا، نمی‌توان اظهار نظر دقیقی داشت؛ ولی احتمالاً این بنا در نیمه دوم قرن هشتم ه.ق. تکمیل شده است.</p>	<p>این مسجد در زمان ابوسعید بهادرخان ساخته شده است و نشان از رفاه نسبی و ثبات اوضاع جامعه دارد.</p>	<p>تصویر شماره ۷: محراب مسجد کرمانی</p>

۴-۲- اهمیت گفتمان قدرت در شکل‌گیری محراب‌های دوره ایلخانی

فوکو در شکل‌گیری مفهوم قدرت، وجود سلسله‌مراتب ساده را، رد می‌کند و معتقد است که قدرت یک مفهوم ابلاغی و دستوری از بالا به پایین نیست؛ بلکه در شبکه‌ای از روابط درهم‌پیچیده ساری و جاری است. از نظر فوکو گفتمان، شکلی از انضباط است که ما را به سوی دغدغه گفتمان نسبت به قدرت هدایت می‌کند (رز، ۱۳۹۸: ۲۵۹). در بسیاری از گفتمان‌ها، موقعیت اجتماعی و فرهنگی، گزاره‌ها، قدرت حاکمه و بسیاری از عوامل دیگر، همچون زنجیره‌ای در پس تولید یک اثر هنری با یکدیگر ارتباط دارند و بر تغییر و تحول یک اثر هنری تأثیرگذار هستند. در این راستا دانش و قدرت، فصل مشترکی در ایجاد محراب‌های دوره ایلخانی ایجاد کرده است؛ به نحوی که بر تمامی مراحل تولید آنها موثر بوده است؛ بنابر نظر فوکو، قدرت در تمامی لایه‌های فردی و اجتماعی روابط افراد جامعه، وجود دارد و نمی‌توان از آن خارج شد؛ بنابراین ناگزیر، مقاومت در برابر قدرت، از درون جامعه شکل می‌گیرد و از سوی دیگر قدرت با حقیقت در ارتباط است؛ اما این حقیقت به معنای حقیقت کامل و تام و تمام نیست؛ بلکه حقیقتی است که قدرت، آن را می‌سازد و به جامعه تحمیل می‌کند و جامعه باید آن را قبول کند.

در شکل‌گیری محراب‌های دوره ایلخانی، گفتمان قدرت، به خوبی دیده می‌شود و ایدئولوژی قدرت به صورت استتار شده در آنها وجود دارد. وجود آیات و روایاتی که بنابر تفاسیر، نیابت حکومت‌داری را از جانب خداوند به مغولان، اهدا می‌کند، با زیرکی انتخاب و در محراب مساجد، جاداده شده‌اند و از سویی، قدرت خداوند را، یاری‌رسان مغولان در رویارویی با دشمنان معرفی نموده و آنان را منجیان و فریادرسان در مقابله با ظلم و ستم، به نمایش می‌گذارد و در سلسله مراتب قدرت به وضعیت سیاسی و اجتماعی دوره مغولان مشروعیت می‌بخشد.

در ایران باستان، شاه فقط یک مقام سیاسی به حساب نمی‌آمد؛ بلکه دارای مقامی دینی و حمل‌کننده رسالتی آسمانی بود که از

سوی خداوند، اداره امور روحانی و زمینی افراد جامعه را برعهده داشت. اطاعت از وی، واجب و شاه موبد از طریق اتصال به وحی، قدرتی ماورایی را برای خود طلب می‌کند و شاه با توسل به مذهب، مشروعیت و محبوبیت را برای خود رقم می‌زند. قر ایزدی نیز یکی از نشانه‌های مشروعیت حکام در ایران باستان بود و و این قره، شمایل فرمانروایان و مغان ایران قدیم را چون هاله در برمی‌گرفت (مددپور، ۱۳۸۳: ۱۶۵). قر ایزدی به فرمان اهورامزدا به شاهان تفویض می‌شد و نشان از رضایت خداوند و مشروعیت الهی حکومت‌ها دارد؛ اما حق حاکمیت و قر الهی به هر شاهی تعلق نمی‌گیرد و شاهانی که قدرت روحانی دارند از پشتوانه الهی برای عینیت بخشی به قدرت سیاسی خود بهره می‌برند (حسینی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۷). در دوره ایلخانی مغولان با آگاهی از قدرت دینی و مذهبی به خوبی از این اهرم قدرت، بهره‌برداری کردند و با اسلام آوردن شاهان مغول، قدرت دینی به شاه مشروعیتی الهی بخشید و وی را رسالتی آسمانی داد تا به‌عنوان نماینده خداوند بر روی زمین، به پاسداشت عدالت پردازد.

۵- نتیجه‌گیری

در بسیاری از گفتمان‌ها، موقعیت اجتماعی و فرهنگی، گزاره‌ها، قدرت حاکمه و بسیاری از عوامل دیگر، همچون زنجیره‌ای در پس تولید یک اثر هنری، با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و بر تغییر و تحول یک اثر هنری، تأثیرگذار هستند. با توجه به دیدگاه میشل فوکو، در مورد شکل‌گیری و وجود لایه‌های قدرت در سطوح مختلف اجتماعی و فردی جامعه، می‌توان استنباط کرد که گفتمان قدرت در دوره ایلخانی در دست‌یابی به توافق جمعی در تشکیل هسته مرکزی قدرت مذهبی و استفاده از آن برای انضباط و انسجام اجتماعی بهره برده‌است و نسبت بین گفتمان دینی و قدرت حاکمه در روابطی درهم تنیده در کل جامعه، پراکنده گشته‌است. در این راستا دانش و قدرت، فصل مشترکی در ایجاد محراب‌های دوره ایلخانی ایجاد کرده‌است، به نحوی که بر تمامی مراحل تولید آنها موثر بوده‌است. در پاسخ به سوال این پژوهش، با توصیف، تحلیل و تبیین محراب‌های دوره ایلخانی، می‌توان نتیجه گرفت که در شکل‌گیری محراب‌های دوره ایلخانی، ایدئولوژی قدرت به صورت مستور، وجود دارد و این محراب‌ها به خوبی اعتقادات سیاسی حاکمان وقت و حامیان مغول را نشان می‌دهد. بهره‌گیری از آیات و احادیثی که به‌طور گزینشی از بین آیات قرآنی گلچین شده، برای مشخص نمودن گفتمان قدرت و مشروعیت بخشی به حاکمان مغول در این دوره دیده می‌شود. بهره‌گیری سیاسی از دین اسلام، تأکید بر ارتباط آیات مشخص با مغولان و اصرار بر آیات خاص و رابطه آن با ولایت حاکمان مغول به‌طور تلویحی نویدبخش منجی بودن و صاحب ولایت بودن مغولان است که با هوشمندی انتخاب و در محراب مساجد جاداده شده‌اند و با به‌کارگیری این مفاهیم در متن زندگی روزمره با صحنه‌گذاری بر سلسله‌مراتب قدرت به وضعیت سیاسی و اجتماعی دوره مغولان مشروعیت می‌بخشد. تاجایی که این حکام خود را اولی الامر و نماینده خداوند بر روی زمین معرفی کرده و خداوند را یاری‌رسان و نصرت‌دهنده قوم مغول در پیروزی بر دشمنان معرفی نمودند. مغولان از مساجد به‌عنوان پایگاهی برای تبلیغات حکومتی خود بهره بردند و در این میان، با بهره‌گیری از آیات خاص نیات خود را به نمایش گذاشتند.

آیه ۲۶ سوره آل‌عمران به سلطنت بخشی و پادشاهی اهدا شده از جانب خداوند به مغولان، اشاره دارد. آیه ۵۹ سوره نساء نیز به اطاعت از خداوند و رسول و اولی الامر که از سوی خداوند برگزیده شده‌اند، اشاره دارد که در این زمان اولی الامر به شاهان مغول، ارجاع داده می‌شود. آیات ۱ تا ۴ سوره فتح که بیشتر از سایر آیات ذکر شده در محراب‌ها دیده می‌شوند، بر نصرت خداوند در پیروزی - های مغولان بر دشمنان، اشاره دارد. مغولان با انتخاب و جانمایی این آیات در محراب و کتیبه‌های مساجد به تبلیغ حکمرانی خود در جامعه پرداختند و به دنبال گرفتن تأیید عمومی مبنی بر حکمرانی تحت حمایت خداوند، برای خود بودند.

۷- منابع و مأخذ

قرآن کریم

- آبیار، منصور (۱۳۸۴). بررسی کتیبه‌های محراب‌های سنگی در موزه ملی ایران، مجله اثر، شماره ۳۸، صفحات: ۲۱۳-۲۳۵.
- ادگار، اندرو، و پیترسج، ویک (۱۳۸۷). مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی، ترجمه مهرا مہاجر، محمدنبوی، تهران، نشر آگاه.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۰). تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۸). تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بختیاری فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵). گفتمان ایران شهری در هنر دوره ایلخانی، پایان نامه دکتری پژوهش هنر: دانشگاه هنر اصفهان.
- برنتس، هانس (۱۳۹۷). مبانی نظری ادبی، چاپ پنجم، تهران: نشر ماهی.
- تیلور، استفنی (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان چیست، چاپ دوم، ترجمه عرفان رجبی، پدram منیعی، تهران: نشر نویسه پارسی.
- تقوی نژاد، بهاره (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی تزئینات هندسی محراب‌های گچ بری دوره سلجوقی با محراب‌های گچ‌بری دوره ایلخانی در ایران». نشریه مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)، دوره ۹، شماره ۲۰، صفحات: ۲۱-۴۰.
- ثقفی، مراد، هنیدس، باری (۱۳۹۰). گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو، مترجم، مصطفی یوسفی، تهران: نشر پردیس دانش.
- حسینی، سیدمحمود، داوودی، ابوالفضل، بهیان، شاپور، مرتضوی، سیدرحمان (۱۴۰۱). «بررسی حضور حکمرانان مغول به هیئت اسکندر در شاهنامه بزرگ ایلخانی» نشریه بنیان‌های حکمی فلسفی هنر ایرانی، سال اول / شماره اول / پاییز / صفحات ۶۰-۷۵. doi: 10.30486/pia.2022.1967811.1008
- رز، ژیلیان (۱۳۹۸). تحلیل تصویر، ترجمه سیدجمال‌الدین اکبرزاده، تهران: انتشارات فرهنگ و هنر و ارتباط.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۰). هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمدشمیرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات کارنگ.
- شکرپور، شهریار و طاووسی، محمود و قوچانی، عبدالله (۱۳۹۳). «بازتاب رهیافت‌های فرهنگی و اجتماعی عصر ایلخانان بر کاشیهای زرین فام تخت سلیمان» نشریه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی. دوره ۶، ش. ۱۱: ۵۳ تا ۶۶. doi: 10.30480/vaa.2013.246
- شکفته، عاطفه (۱۳۹۴). مضمون کتیبه‌های قرآنی در محراب‌های گچی عصر ایلخانان، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۳ شماره ۳، پیاپی ۸، صفحات: ۱۰۴-۱۲۰.
- عکاشه، ثروت (۱۳۸۰). هنر اسلامی، ترجمه سیدغلامرضاهامی، تهران: انتشارات حوزه هنری.
- عقیلی، سیدوحید، لطفی حقیقت، امیر (۱۳۸۹). «کاربرد روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری» نشریه دانشنامه واحد علوم و تحقیقات. دوره ۲، ش. ۴: ۱۶۹ تا ۱۹۴.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و ... تهران: مرکز مطالعات و تحقیق رسانه‌ها.
- قربانزاده، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۶). محراب‌نامه، تهران: مرکز مطالعات ایلخان‌شناسی.
- کونل، ارنست (۱۳۹۴). تاریخ هنر ایران، هنر اسلامی، ترجمه یعقوب‌آزند، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مولی.
- گرابر، اولگ (۱۳۷۹). شکل‌گیری هنر اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لین، جورج (۱۳۸۹). ایران در اوایل عهد ایلخانان (رنسانس ایرانی)، ترجمه سیدابوالفضل رضوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مددیور محمد (۱۳۸۳). آشنایی با آرای متفکران در باب هنر، تهران: انتشارات سوره مهر.
- مورگان، دیوید (۱۳۷۱). مغولها، مترجم عباس مخبر، تهران: مرکز.
- ناظری، افسانه، بختیاری فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵). «مسئله هویت در عهد ایلخانی مطابق با الگوی کاستلز (مطالعه موردی تحلیل گفتمان خواجه نصیرالدین طوسی)» پژوهش‌های علوم تاریخی. دوره ۸، ش. یک: ۱۱۵-۱۳۴. doi: 10.22059/jhss.2017.60652
- ووداک، راث، میر، مایکل (۱۳۹۸). روش‌های تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه رحیم ایلغمی، تهران: پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هیلم براند، رابرت (۱۳۷۹). معماری اسلامی، فرم، عملکرد و معنی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.